

## بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه ی شعبان - 29 شهریور / 1384

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

این روز بزرگ را به همه ی منتظران و همه ی عاشقان و همه ی موالیان اهل بیت، بخصوص شما برادران و خواهران عزیزی که در این جا تشریف دارید، تبریک عرض می کنم.

در حقیقت ولادت این بزرگوار یک عید حقیقی است؛ لذا بزرگداشت خاطره ی این روز و این ساعت هرگز از یاد معتقدان به مهدویت نخواهد رفت. فقط مردم شیعه نیستند که منتظر مهدی موعود (سلام الله علیه) هستند، بلکه انتظار منجی و مهدی، متعلق به همه ی مسلمانهاست. فرق شیعه با دیگران این است که شیعیان آن منجی را با نام و نشان، با خصوصیات گوناگون می شناسند؛ اما دیگر مسلمانان که به منجی هم معتقدند، منجی را نمی شناسند؛ تفاوت، این جاست؛ والا اصل مهدویت مورد اتفاق همه ی مسلمانهاست. ادیان دیگر هم در اعتقادات خودشان، انتظار منجی را در نهایت زمانه دارند؛ آنها هم در یک بخش از قضیه، مطلب را درست فهمیده اند؛ اما در بخش اصلی قضیه که معرفت به شخص منجی است، دچار نقص معرفتند. شیعه با خبر مسلم و قطعی خود، منجی را با نام، با نشان، با خصوصیات، با تاریخ تولد، می شناسد. نکاتی در اعتقاد به مهدویت هست، که من به اجمال آنها را عرض می کنم:

یک نکته این است که وجود مقدس حضرت بقیةالله (ارواحنافداه) استمرار حرکت نبوت ها و دعوت های الهی است از اول تاریخ تا امروز؛ یعنی همان طور که در دعای ندبه می خوانید، از «فبعض اسکنته جتتک» - که حضرت آدم است - تا «الی ان انتهی الامر» - که رسیدن به خاتم الانبیاء (صلی الله علیه واله) هست - و بعد مسأله ی وصایت و اهل بیت آن بزرگوار، تا می رسد به امام زمان، همه، یک سلسله ی متصل و مرتبط به هم در تاریخ بشر است. این، بدین معناست که آن حرکت عظیم نبوت ها، آن دعوت الهی به وسیله ی پیامبران، در هیچ نقطه ی متوقف نشده است. بشر به پیامبر و به دعوت الهی و به داعیان الهی احتیاج داشته است و این احتیاج تا امروز باقی است و هر چه زمان گذشته، بشر به تعالیم انبیا نزدیک تر شده است. امروز جامعه ی بشری با پیشرفت فکر و مدنیت و معرفت، بسیاری از تعالیم انبیا را - که ده ها قرن پیش از این، برای بشر قابل درک نبود - درک کرده است. همین مسأله ی عدالت، مسأله ی آزادی، مسأله ی کرامت انسان - این حرفهایی که امروز در دنیا رایج است - حرفهای انبیاست. آن روز عامه ی مردم و افکار عمومی مردم این مفاهیم را درک نمی کردند. پی در پی آمدن پیغمبران و انتشار دعوت پیغمبران، این افکار را در ذهن مردم، در فطرت مردم، در دل مردم، نسل به نسل نهادینه کرده است. آن داعیان الهی، امروز سلسله شان قطع نشده است و وجود مقدس بقیةالله الاعظم (ارواحنافداه) ادامه ی سلسله ی داعیان الهی است، که در زیارت آل یاسین می خوانید: «السلام علیک یا داعی الله و رثانی آیاته». یعنی شما امروز همان دعوت ابراهیم، همان دعوت موسی، همان دعوت عیسی، همان دعوت همه ی پیغمبران و مصلحان الهی و دعوت پیامبر خاتم را در وجود حضرت بقیةالله مجسم می بینید. این بزرگوار، وارث همه ی آنهاست و دعوت و پرچم همه ی آنها را در دست دارد و دنیا را به همان معارفی که انبیا در طول زمان آورده اند و به بشر عرضه کرده اند، فرا می خواند. این، نکته ی مهمی است.

نکته ی بعدی در باب مهدویت، انتظار فرج است. انتظار فرج یک مفهوم بسیار وسیع و گسترده یی است. یک انتظار، انتظار فرج نهایی است؛ یعنی این که بشریت اگر می بیند که طواغیت عالم ترك تازی می کنند و چپاولگری می کنند و افسارگسیخته به حق انسانها تعدی می کنند، نباید خیال کند که سرنوشت دنیا همین است؛ نباید تصور کند که بالاخره چاره یی نیست و بایستی به همین وضعیت تن داد؛ نه، بدانند که این وضعیت یک وضعیت گذراست - «للباطل جولة» - و آن چیزی که متعلق به این عالم و طبیعت این عالم است، عبارت است از استقرار حکومت عدل؛ و او خواهد آمد. انتظار فرج و گشایش، در نهایت دورانی که ما در آن قرار داریم و بشریت دچار ستم ها و آزارهاست، یک مصداق از انتظار فرج است، لیکن انتظار فرج مصداق های دیگر هم دارد. وقتی به ما می گویند منتظر فرج

باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید، بلکه معنایش این است که هر بن بستی قابل گشوده شدن است. فرج، یعنی این ؛ فرج، یعنی گشایش. مسلمان با درس انتظار، فرج می آموزد و تعلیم می گیرد که هیچ بن بستی در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد و لازم باشد که انسان ناامید دست روی دست بگذارد و بنشیند و بگوید دیگر کاری نمی شود کرد ؛ نه، وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله ی با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن بست های جاری زندگی هم همین فرج متوقع و مورد انتظار است. این، درس امید به همه ی انسانهاست ؛ این، درس انتظار واقعی به همه ی انسانهاست ؛ لذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسته اند ؛ معلوم می شود انتظار، يك عمل است، بی عملی نیست. نباید اشتباه کرد، خیال کرد که انتظار یعنی این که دست روی دست بگذاریم و منتظر بمانیم تا يك کاری بشود. انتظار يك عمل است، يك آماده سازی است، يك تقویت انگیزه در دل و درون است، يك نشاط و تحرك و پویایی است در همه ی زمینه ها. این، در واقع تفسیر این آیات کریمه ی قرآنی است که: «و نريد ان نمن على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين» یا «ان الارض لله يورثها من يشاء من عباده و العاقبة للمتقين». یعنی هیچ وقت ملت ها و امت ها نباید از گشایش مأیوس شوند.

آن روزی که ملت ایران قیام کرد، امید پیدا کرد که قیام کرد. امروز که آن امید برآورده شده است، از آن قیام، آن نتیجه ی بزرگ را گرفته است و امروز هم به آینده امیدوار است و با امید و با نشاط حرکت می کند. این نور امید است که جوان ها را به انگیزه و حرکت و نشاط وادار می کند و از دل مردگی و افسردگی آنها جلوگیری می کند و روح پویایی را در جامعه زنده می کند. این، نتیجه ی انتظار فرج است. بنابراین، هم باید منتظر فرج نهایی بود، هم باید منتظر فرج در همه ی مراحل زندگی فردی و اجتماعی بود. اجازه ندهید یأس بر دل شما حاکم بشود، انتظار فرج داشته باشید و بدانید که این فرج، محقق خواهد شد ؛ مشروط بر این که شما انتظارتان، انتظار واقعی باشد، عمل باشد، تلاش باشد، انگیزه باشد، حرکت باشد.

يك نکته ی دیگر در مسأله ی مهدویت این است که عقیده ی ما این است که امام زمان ( ارواحناده) متوجه و ناظر بر رفتار و عمل ماست ؛ اعمال ما بر او عرضه می شود. این جوان های مؤمن ما که در میدان های مختلف - چه در میدان معنویت و عبادت و معرفت، چه در میدان کار و تلاش، چه در میدان مبارزه و سیاست، چه در میدان جهاد ؛ آن روزی که جهاد مورد احتیاج بود - این جور از خودشان اخلاص و شادابی نشان می دهند، امام زمان ( سلام الله علیه) را خرسند و خوشحال می کنند. این که مردم در کشور اسلامی - حالا در کشور مسلمان ما - تلاش شان این است که بر اداره ی کشور، بر پیشرفت امور کشور نظارت داشته باشند، تصمیم بگیرند، اقدام کنند، وارد میدان بشوند ؛ و میدان را رها نمی کنند که دیگران بیایند و برای آنها تصمیم بگیرند ؛ اجازه نمی دهند که امتداد خواست های استکباری و استعماری در داخل کشور سرنوشت آنها را معین بکنند، امام زمان را خوشحال می کنند ؛ امام زمان ناظر است و می بیند. انتخابات شما را امام زمان دید ؛ اعتکاف شما را امام زمان دید ؛ تلاش شما جوان ها را برای آذین بندی نیمه ی شعبان، امام زمان دید ؛ حضور شما زن و مرد را در میدان های گوناگون، امام زمان دیده است و می بیند ؛ حرکت دولتمردان ما را در میدان های مختلف، امام زمان می بیند و امام زمان از هر آنچه که نشانه ی مسلمانی و نشانه ی عزم راسخ ایمانی در آن هست و از ما سر می زند، خرسند می شود. اگر خدای نکرده عکس این عمل بکنیم، امام زمان را ناخرسند می کنیم. ببینید، چه عامل بزرگی است.

نکته ی دیگر و سخن آخر این است که جامعه یی که به مهدویت معتقد است، قوت قلب پیدا می کند. این قوت قلب برای ملت ها خیلی مهم است. بدانید تسلط استعمار بر کشورهای اسلامی بعد از آن بود که توی دل ملت ها را خالی کردند ؛ آنها احساس ضعف کردند ؛ احساس عدم توانایی کردند، بعد اینها آمدند و با قدرت بر آنها مسلط شدند. امروز هم همین جور است. ما در روابط سیاسی و دیپلماسی دنیا داریم جلوی چشم مان می بینیم که یکی از بزرگ ترین شگردهای استکبار جهانی این است که می خواهد دل مسؤولان کشورهای گوناگون را - حالا در کشورهای اسلامی - خالی کند و احساس بی پشتوانگی به آنها تزریق کند، تا آنها احساس کنند که چاره یی ندارند جز این که زیر بار مثلاً آمریکا بروند. این احساس ضعف، بلای بزرگی است. ملت ها حرکت نمی کنند ؛ چون احساس ضعف می کنند. ملت

فلسطین ده ها سال ساکت و آرام نشستہ بود ؛ چون احساس می کرد نمی تواند. آن روزی که فکر توانستن در ملت فلسطین به وجود آمد، قیام کرد و با این قیام، این همه موفقیت را به دست آورده است. رنج می برد ؛ اما دارد پیش می رود. فرق است بین ملتی که حرکتی نمی کند، سیلی هم نمی خورد ؛ اما روزبه روز عقب می نشیند ؛ روزبه روز بدبخت تر و زیردست تر می شود، دلش هم خوش است که من سیلی نمی خورم، با آن ملتی که سختی راه را تحمل می کند، پایش به سنگ می خورد، خونی هم می شود ؛ اما در راه به سمت موفقیت، به سمت سرمزل سعادت، به سمت عزت، پیش می رود. ملت فلسطین امید پیدا کرد، حالا حرکت می کند و جلو می رود و این حرکت به جلو تا هر وقت که وجود داشته باشد، باعث می شود که درهای فرج به روی آنها باز باشد ؛ و راه قطعه قطعه طی خواهد شد تا ان شاءالله به هدف نهایی شان برسند. احساس ضعف برای يك ملت، خیلی احساس خطرناک و سم مهلکی است. یکی از برکات اعتقاد به مهدویت این است که انسان احساس اطمینان می کند ؛ احساس قوت قلب می کند ؛ احساس قدرت می کند. و ملت ما بحمدالله این گونه است.

ما در جبهه های جنگ هم جوان های خودمان را می دیدیم که به مدد غیبی و به توجه و نظر لطف ولی عصر ( ارواحنا فداه ) اعتقاد داشتند و از همان اعتقاد و از همان قوت قلب هم استفاده می کردند و توانایی مضاعف پیدا می کردند و پیش می رفتند. البته اعتقاد به کمک غیبی اگر معنایش این است که انسان بیکار بماند، درها را ببندد و منتظر باشد که از غیب کمک بشود، بداند که از غیب هم کمکی نخواهد شد ؛ «و ما جعله الله الا بشری لکم و لتطمئن قلوبکم به». کمک غیبی در میدان جنگ، در میدان چالش های سیاسی و در ایستادگی ملت هاست که به سراغ انسان می آید. اگر بایستید، کمک غیبی هم هست.

امروز دنیای استکبار روی نقاط قوت ملت ها متمرکز شده، تا آنها را از بین ببرد. البته يك جاهایی موفق می شوند، يك جاهایی هم موفق نمی شوند. از جمله ی جاهایی که به حول و قوه ی الهی موفق نشدند و موفق نخواهند شد، ملت ایران است. بحمدالله در منبر سازمان ملل و در مقابل چشم سران کشورهای جهان، رئیس جمهور محترم ما حرف دل ملت ایران را بیان کرد. استحکام و متانت و قوت بیان و قوت مواضع در آن تریبون جهانی، به نیابت از ملت ایران، در مقابل چشم همه ی دنیا به دست آمد. این، معنایش چیست؟ این، معنایش این است که ملت ایران تسلیم تهدید و زور و فشار نخواهد شد ؛ این، معنایش این است که ملت ایران با فشارهای بیست و هفت ساله ی از اول انقلاب تا کنون، نه فقط ضعیف نشده، نه فقط اراده ی او متزلزل نشده، بلکه امروز قوی تر از گذشته شده است و با اراده ی راسخ برای پیشبرد اهداف و آرمان های متعالی خود - که مصالح ملی در آنهاست - همچنان مستحکم ایستاده است. اتکا به خدای متعال و اعتقاد به نگاه رؤفانه و پدرانہ ی حضرت بقیةالله ( ارواحنا فداه ) به ملت، این تأثیر بزرگ را در زندگی ما و در رفتار ما دارد که ما را با قوت قلب در مقابل امواج گوناگون و ادار به استقامت می کند. نمی توانند ملت ایران را شکست بدهند. به توفیق الهی، مسؤولان کشور، دولتمردان مؤمن و صبور، با پیگیری و تلاش باید بتوانند یکی پس از دیگری مشکلات این ملت را حل کنند ؛ باید بتوانند سطح علمی و عملی این کشور را آن چنان بالا ببرند که به کلی طمع دشمنان از این ملت و از این کشور قطع بشود.

از خداوند متعال می خواهیم که دعای حضرت بقیةالله ( ارواحنا فداه ) را شامل حال همه ی ملت ایران و همه ی ملت های مستضعف جهان قرار بدهد ؛ و شما مردم عزیز را روزبه روز به عزت خود و عزت اولیای خود عزیزتر و مقتدرتر بفرماید.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته